

ابعاد انسانی نوع آدمی



..... دکتر مجتبی سرکندی

آشنا شدم. در دبیرستان رشته درسی من ریاضی - فیزیک بود اما به واسطه شرایط زمانی آن دوران، سؤالات گوناگونی در مورد وراثت و تکامل برایم مطرح بود که در این جستجو کتاب‌های دکتر بهزاد مانند «راز وراثت»، «علم وراثت»، «داروینیسیم و تکامل» و ... به خاطر ساده‌نویسی و فهم آسان آن‌ها کمک بسیاری به من کردند. دوباره مرغ ذهنم به پرواز درآمد و به آن روز پاییزی سال ۷۰ رفتم که منشی دفتر نشریه رازی گفتند آقای دکتری می‌خواهند در مورد مطالب

روز جمعه نهم شهریور ماه، دوستی که ساکن و اهل رشت است، با تلفن همراه من تماس گرفت و پس از مقدمه‌چینی‌های بسیار و اظهار تاسف مبنی بر این که خبر بدی برای من دارد، بالاخره گفت که دکتر بهزاد دیشب (هشتم شهریور) فوت کرده‌اند. با شنیدن خبر، بی‌اختیار اشک بر چشمانم جاری شد و از ورای پنجره اشک گرفته چشمم به اعماق پوشیده از مه ذهنم سفر کردم، به دوران دبیرستان و کتابخانه پارک نزدیک منزلان رفتم، همان جایی که اولین بار با کتاب‌های دکتر بهزاد

برای ویژه‌نامه فرستادند اما در آغاز مطالب این اشعار را نوشته بودند:

هنوز از عمر باقی‌مانده دارم
غم دردی ز ساقی مانده دارم
بیا، دیگر مجالم نیست زین بیش
قناعت کن به برگ سبز درویش

نکته‌ای که در تمام مدت آشنایی با ایشان، ذهن مرا به خود مشغول می‌داشت آن بود که چگونه فردی با این سن و سال، میل و اشتیاق عجیبی به نوشتن و خواندن داشت آن هم در زمینه‌هایی که نیاز به دقت و توجه کامل دارد. شاید با مروری بر زندگی و آثار استاد، بتوان پاسخ این سوال را دریافت.

دکتر محمود بهزاد در ۲۲ اسفند ۱۳۹۲ هجری شمسی در شهر رشت دیده به جهان گشود. پدرش جواهرساز بود و چون جواهرات را به سبک فرنگی می‌ساخت، او را مشه‌دی علی فرنگی‌ساز خطاب می‌کردند. دکتر همواره به شوخی می‌گفت: «پدرم جواهری چون من را ساخت.» مادرش خانه‌دار و معلم قرآن زنان بود. او دوره ابتدایی و متوسطه را در شهر رشت گذراند و از اولین دیپلمه‌های گیلان بود. استاد همیشه می‌گفت: «من در دوران ابتدایی و متوسطه دانش آموز زرنگی نبودم و حتی در سال سوم دبستان مردود شدم ولی اواخر سال یازدهم انگار که از خوابی گران بیدار شدم و همه چیز برایم عوض شد. در کلاس ششم متوسطه جمعاً دوازده نفر بودیم که ۵ نفر قبول شدیم و من نفر

نشریه با شما صحبت کنند. گوشی را برداشتم و به حرف‌های ایشان در مورد معادل فارسی عبارت «in vitro» گوش کردم و از ایشان پرسیدم در مورد عبارت «in vivo» چه باید گفت، خلاصه در حدود نیم ساعتی به بحث کاملاً علمی پرداختیم و در هنگام خداحافظی، ناگهان من نام ایشان را پرسیدم و وقتی نام ایشان را شنیدم، با تعجبی شعف‌گونه پرسیدم همان دکتر بهزاد نویسنده کتاب داروینیسیم و تکامل؟ و ایشان با خنده جواب دادند: «بله».

یادم آمد اولین باری که پس از آن تلفن به شهر رشت رفتم، به دیدارشان شتافتم اما در شهر نبودند و به همین خاطر برایشان پیغام گذاشتم. پس از مراجعت من به تهران، تلفن کردند و صحبت خود را با این شعر آغاز نمودند:

یارم آمد به در خانه و من خانه نبودم
خانه گویی به سرم ریخت چو این قصه شنودم

پس از آن، بارها خدمتشان رسیدم و ساعت‌ها بدون آن که احساس گذر زمان و خستگی کنم - به صحبت ایشان گوش کردم.

در این اثنا، یاد خرداد سال گذشته (۸۵) افتادم، تلفنی از ایشان خواهش کردم که برای ویژه‌نامه دویستمین شماره نشریه رازی مقاله‌ای بنویسید و ایشان گفتند می‌دانی حالماً خوب نیست و قول نمی‌دهم اما اگر توانستم حتماً این کار را می‌کنم. دو روز بعد، تلفن کردند و از من خواستند تا خودم پای دستگاه فکس یا نمابر بروم، دو مطلب کوتاه

دوم شدم و در همین سال نیز پس از دو ماه تلاش برای اخذ رضایت پدرم، یکی از آشنایان را عقد نمودم و دو سال بعد در سن ۲۰ سالگی با او ازدواج کردم.»

وی پس از گرفتن دیپلم، به دانشسرای عالی راه یافت و در سال ۱۳۱۴ در رشته «علوم طبیعی و تربیتی» فارغ‌التحصیل شد. پس از پایان سربازی، یک سال در سمنان و پنج سال در کرمانشاه تدریس کرد. در سال ۱۳۲۱ هم زمان با جنگ جهانی دوم و ورود متفقین به ایران، به رشت بازگشت و در سال ۱۳۳۲ کتاب «داروین چه می‌گوید؟» را تالیف کرد. یکی از ویژگی‌های کار دکتر بهزاد، ساده‌نویسی است. کسانی که اهل خواندن و یا نوشتن متون علمی هستند، خوب می‌دانند که در نوشتن کتاب و مقاله‌های علمی، به ویژه در کار ترجمه، ساده‌نویسی بسیار دشوارتر از نوشتن برای متخصصان است. استاد رمز این ساده‌نویسی را در مطلبی که برای ویژه‌نامه دویستمین شماره رازی نوشته‌اند، چنین بیان می‌کنند:

«سال ۱۳۲۲ کتابی نگاشتم به نام «داروین چه

می‌گوید؟» پیش از آنکه به چاپ برسانم، از دوست عزیزم آقای دکتر عبدالعلی طاعتی که نویسنده و شاعر زبردستی بودند، خواستم آن را بخوانند و راهنماییم کنند.

آقای دکتر عبدالعلی طاعتی، پاراگراف اول کتاب را خواندند، نگاهی به من انداختند، دوباره خواندند و گفتند چه می‌خواهی بگویی؟ آنچه می‌خواستم بگویم بر زبان راندم، گفتند همین را بنویس، نوشتیم، گفتند لفظ قلمش کن، کردم، گفتند حالا مقایسه کن!

دیدم به جای آنکه مطلب اصلی را بیان کنم، کلی اظهار فضل بیجا کرده‌ام!

گفتند: هر وقت می‌خواهید چیزی بنویسید اعم از ترجمه یا نگارش، فکر کنید که کسی جلوتان هست و دارید با او حرف می‌زنید، در این صورت نوشته شما ساده و مفهوم خواهد شد. این گفته دوست اندیشمندم را آویزه گوش هوش قرار دادم و به تجدید نظر در محتوای کتاب پرداختم. متن کتاب به کلی عوض شده، ساده و مفهوم بود. آن را به حضورشان بردم، خواندند و آفرین گفتند، آری این بود رمز ساده‌نویسی من!!»

یک سال بعد، «راز وراثت» اثر ژان روستان (Jean Rostant) را منتشر کرد. وی در کتاب امروز خاطره‌ای از این کتاب نقل می‌کند که خواندن آن بسیار جالب توجه است: «وقتی کار چاپ داروین چه می‌گوید تمام شد، به قسمت صحافی چاپ‌خانه رفتم، طرز دوختن و جلد کردن را



منبع مشخصی وجود نداشت که معلمان از روی آن مفاهیم را به بچه‌ها منتقل کنند و بچه‌ها با چه مشقتی مجبور بودند جزوه‌نویسی کنند! مطالب درسی را می‌نوشتیم. تصاویر را با دست می‌کشیدیم و لای صفحات می‌گذاشتیم و تکثیر می‌کردم. یادم می‌آید رو به روی دبیرستان البرز انتشاراتی بود که با همکاری ناشر آن، این کتابچه‌ها را به تمام ایران می‌فرستادیم. این کار زحمت زیادی داشت. من در خانه از بچه‌هایم برای تنظیم اوراق و تصاویر کمک می‌گرفتم و در عوض به آنان اجرت می‌پرداختم تا مزه‌ی کار کردن را بچشند. در ابتدا تنها هدفم تغییر سیستم جزوه نویسی بود و این که معلمان منبعی برای درس دادن داشته باشند».

دکتر بهزاد در سال ۱۳۳۹ با ترجمه کتاب «سرگذشت زمین» تالیف جورج گاموف برنده جایزه شد، در همان سال از دبیرستان البرز بازنشسته گردید و در همین سال به تدریس علوم طبیعی به زبان فرانسه در مدرسه «فرانکوپرسان» (رازی) تهران پرداخت که به مدت ۱۵ سال ادامه داشت. کار او در تالیف کتاب و به خصوص کتاب‌های درسی، به اندازه‌ای موفقیت‌آمیز بود که در سال ۱۳۴۱ تاسیس نخستین سازمان برای نگارش کتاب‌های درسی را به او واگذار کردند: «سازمان‌های کتاب‌های درسی در سال ۴۱ تاسیس شد. آن موقع دو سال از بازنشستگی‌ام می‌گذشت. دکتر پرویز خانلری وزیر وقت آموزش و پرورش، از هیات دولت حکمی برایم گرفت تا من سازمانی تحت عنوان سازمان کتاب‌های درسی را تاسیس کنم. در آن

یاد گرفتم و تمام کتاب‌ها را با دست خودم دوختم، صحافی کردم و دادم منتشر کردند. سال بعد کتاب *De la mouche à l'homme* نوشته Jean Rostant را با عنوان «راز وراثت» ترجمه کردم. در این کتاب هفت هشت مورد بود که درست نمی‌فهمیدم. برای آقای دکتر عبدالله شیبانی استاد بسیار عالی‌قدر دانشسرا بدون این که با ایشان آشنایی قبلی داشته باشم، نامه‌ای نوشتیم و مشکلم را در میان گذاشتیم. ایشان علاوه بر این که ترجمه صحیح پاراگراف‌های نامفهوم را نوشتند و برایم فرستادند، ضمناً چند صفحه توضیح مطالب مربوط به سئوالاتم را باحوصله و محبت تمام برایم نوشتند، که به راستی کاملاً آموزنده و مفید بود. بزرگواری ایشان که بدون هیچ‌گونه آشنایی با من این همه صمیمانه به من لطف کرده بودند و مرا روشن کرده بودند، چنان در من اثر گذاشت که هیچ‌گاه از یاد نخواهم برد».

دکتر بهزاد، در سال ۱۳۲۴ پس از سه سال زندگی در رشت و تدریس در دبیرستان شاهپور سابق (شهید بهشتی کنونی) به تهران منتقل و مشغول تدریس در دبیرستان البرز تهران گردید، او به خاطر علاقه زیادی که به بیوشیمی داشت، در دانشکده داروسازی دانشگاه تهران ثبت نام کرد و در سال ۱۳۲۸ با درجه دکترا فارغ‌التحصیل گردید. وی در بین سال‌های ۱۳۲۴ تا ۱۳۳۰ چند کتاب درسی منتشر کرد. دکتر بهزاد در این زمینه در روزنامه شرق می‌گوید: «قبل از این که اولین کتاب‌های درسی را به شکل دستی تنظیم کنم، در کلاس‌های درس معلمان جزوه می‌گفتند. هیچ

سازمان تمام کتاب‌های درسی را که در کشور منتشر می‌شد به متخصصان و معلمان آن رشته‌ها می‌دادم و آن‌ها را هم از نظر علمی و هم از نظر غلط‌های املائی و رسم‌الخط بررسی می‌کردیم». خدمات درخشان او در مدت ریاست این سازمان فراموش نشدنی است. با تلاش او همه کتاب‌های درسی ایران (از دوره ابتدایی تا پایان دوره متوسطه) تدوین و تالیف گردید و با رسم‌الخط واحدی به چاپ رسید. در سال ۱۳۴۵، به علت اختلافی که با وزیر وقت آموزش و پرورش، دکتر هدایتی، پیدا کردند، استعفا دادند و دیگر به آن سازمان بازنگشتند. وی می‌گفت: «نمی‌خواستیم با آن سیستم نا به سامان کار کنم. گفته بودم به شرطی می‌آیم که هدف مشخص باشد.»

ترجمه کتاب «روانشناسان فیزیولوژیک» مورگان که در سال ۱۳۴۸ انتشار یافت، موجب گردید برای تدریس روان‌شناسی فیزیولوژیک به دانشگاه تهران دعوت شود و در همان سال موفق به اخذ درجه «استادی» از شورای استادان دانشگاه تهران گردید. دکتر بهزاد تا آغاز انقلاب به تالیف و ترجمه ۵۵ عنوان کتاب نایل آمدند. ایشان در ابتدای دهه ۵۰ به گروه مشاوران و ویراستاران ارشد موسسه علمی فرانکلین (موسسه علمی فرهنگی فعلی) پیوست. دکتر بهزاد، بعد از انقلاب که مدتی دانشگاه‌ها تعطیل بود به زادگاه خود بازگشتند و از سال ۱۳۵۹ با «انجمن داروسازان گیلان» و «نظام پزشکی» رشت همکاری داشتند و هم‌زمان مسؤول فنی داروخانه «شرق» شد.

در سال ۱۳۶۲، انجمن داروسازان گیلان، به

مناسبت هفتادمین سال تولد استاد، مراسم با شکوهی به منظور تجلیل از ایشان برگزار کرد و این کار در حدود ده سال بعد از سوی سازمان نظام‌پزشکی رشت صورت پذیرفت.

در پنجم شهریور سال ۱۳۷۱ در مراسم زادروز زکریای رازی و «روز داروسازی»، استاد از طرف انجمن داروسازان ایران به‌عنوان **داروساز نمونه** کشور معرفی شد.

با توجه به این که دکتر بهزاد از پیش‌کسوتان و از پرکارترین و کارآمدترین مترجمان متون علمی، به ویژه متون زیست‌شناختی بودند و با عنایت به کوشش‌های پی‌گیرانه وی برای ترویج علم زیست‌شناسی نوین، اعطای لقب «پدر زیست‌شناسی نوین ایران» به او شایسته بود و این مهم در سال ۱۳۷۹ توسط فرهنگستان علوم پزشکی در حضور آقای دکتر حبیبی معاون اول ریاست جمهوری و وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی وقت و استادان دانشگاه‌های علوم پزشکی صورت پذیرفت.

در سال ۱۳۸۱ به پاس قدردانی از خدمات وی شورای اسلامی شهر رشت تندیس ایشان را همراه تندیس سه تن دیگر از مفاخر علمی گیلان در پارک سبز ه میدان رشت با حضور جمع کثیری نصب و پرده‌برداری نمودند.

آخرین تجلیلی که از ایشان به عمل آمد، به ابتکار انجمن فارغ‌التحصیلان دبیرستان البرز و خانه فرهنگ گیلان، در تاریخ ۲۱ تیرماه امسال (۱۳۸۶) در ساعت ۲۰ - ۱۸ در تالار خاتم‌الانبیای رشت برگزار شد. در این مراسم، نجف دریابندری،

است که ایشان را ندیده، بزرگ بدارم و کار سترگ و گران سنگ او را ارج گزارم ...»

دکتر بهزاد تا اواخر عمر هفته‌ای ۴ ساعت در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه گیلان تدریس روان‌شناسی فیزیولوژیک را بر عهده داشتند و در ضمن، مشغول ترجمه کتابی تحت عنوان «ساعت‌ساز نابینا» در زمینه تکامل بودند اما مرگ مهلت اتمام این کار را به ایشان نداد و ایشان در ساعت ۱۶ و ۱۵ دقیقه پنج‌شنبه هشتم شهریور ۱۳۸۶ درگذشتند.

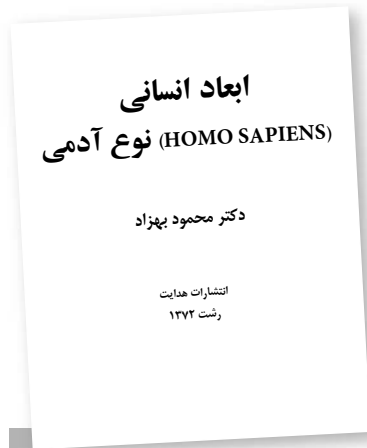
آثار دکتر بهزاد به ۹۸ جلد کتاب می‌رسد که ۶۳ کتاب را به تنهایی و ۳۵ کتاب دیگر را به یاری دوستان و همکاران خود تالیف و ترجمه نموده است. البته، بنده فقط توانستم فهرست ۸۹ جلد از کتاب‌های ایشان را بیابم. تعداد کتاب‌هایی که ایشان ویرایش کرده‌اند از ۱۰۰ تجاوز می‌کند و تعداد مقالاتی که نوشته یا ترجمه نموده‌اند، بیش از ۳۰۰ است. در ضمن، ایشان به عنوان عضو هیئت تحریریه و ویراستار مجله «حکمت گیل» انجمن داروسازان گیلان و هیأت مشاورین ماهنامه دارویی رازی سال‌ها مشغول به کار بودند. فهرست آثار ایشان به شرح زیر است:

الف - تالیفات

- ۱ - بیولوژی (سه جلد)
- ۲ - آیا به راستی انسان زاده می‌میرد است؟ (چاپ چهارم)
- ۳ - بدن من (چاپ دوم)
- ۴ - علوم سال سوم دبستان‌های کشور
- ۵ - علوم سال چهارم دبستان‌های کشور

دکتر بهزاد برکت، دکتر عبدالحسین انیسی‌پور، دکتر هوشنگ منتصری، دکتر زهرا گویا، دکتر پورکاظمی و سعید صدیق شرکت داشتند و جمعی از این بزرگان نیز سخنرانی کردند. بخش‌هایی از سخنرانی خانم دکتر گویا در آن مراسم چنین بودند:

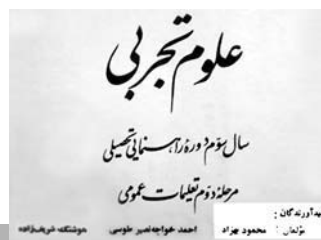
«... از همه مهم‌تر این که استاد بهزاد موسس و بنیان‌گذار سازمان کتاب‌های درسی در ایران است و این کار از نظر من یکی از با ارزش‌ترین تلاش‌های ایشان بوده است، زیرا کتاب‌های درسی در هر نظام آموزشی و به خصوص نظام متمرکز آموزش ایران، نقش کلیدی و سرنوشت‌سازی دارند، و همه می‌دانیم که تاسیس چنین مرکزهایی چه خون جگری می‌خواهد، تا به بار بنشیند و ثمر دهد و چقدر نقاد و نقزن و معترض و ... چه آن که، برخی از ما منتظریم کسی همتی کند و بنایی برافرازد تا خوراک لذیذی برای اعتراض، ریزبینی و نقزن‌های خود پیدا کنیم و تا آن جایی ادامه دهیم که دیگر نه از تاک نشان ماند نه از تاک نشان، آن‌گاه هم جای آن که دلمان خنک شود که «دیدنی بالاخره کار خودم را کردم و طرف را کله پا کردم» البته، زانوی غم بغل می‌گیریم و پس از تخریب کامل آن بنا و موسس آن، منصف می‌شویم و با آه و حسرت، نسبت به نکات مثبت آن کار ریزبینی می‌کنیم و این‌ها در حالی است که دیگر زمان سپری شده است و جامعه باید با نگرانی، در حسرت فرهیختگانی مانند استاد بهزاد بنشیند که همت بالا داشته باشد و نسبت به جزء بینی‌های آنان صبور و مقاوم بماند تا کاری به نفع جامعه و جامعه آموزشی انجام شود، پس طبیعی



- ۶- نکاتی چند درباره ژنتیک (چاپ دوم)
- ۷- نکاتی چند درباره فیزیولوژی عمومی
- ۸- نکاتی چند درباره فیزیولوژی سلسله عصبی و غدد (چاپ دوم)
- ۹- نکاتی چند درباره زیست‌شناسی (چاپ سوم)
- ۱۰- نکاتی چند درباره روان‌شناسی فیزیولوژیک
- ۱۱- داروینیسیم و تکامل (چاپ دهم)



- ۱۹- ابعاد انسانی نوع آدمی
 - ۲۰- بیوتکنولوژی
 - ۲۱- تندرستی و شادمانی
- ب - تالیفات با همکاری دیگران**
- ۲۲- علوم سال اول راهنمایی
 - ۲۳- علوم سال دوم راهنمایی
 - ۲۴- علوم سال سوم راهنمایی
 - ۲۵- دوره کامل علوم طبیعی برای دبیرستان‌ها (۱۱ جلد)



- ۱۲- گیاه‌شناسی برای سال ششم طبیعی
- ۱۳- علم (چاپ چهارم)
- ۱۴- روان‌شناسی حیوانی
- ۱۵- تئوری تکامل و روان‌شناسی (چاپ دوم)
- ۱۶- مغز آدمی از دیدگاه روان‌شناسی
- ۱۷- جانور شناسی (۱۶ جلد)
- ۱۸- قانون جنگل



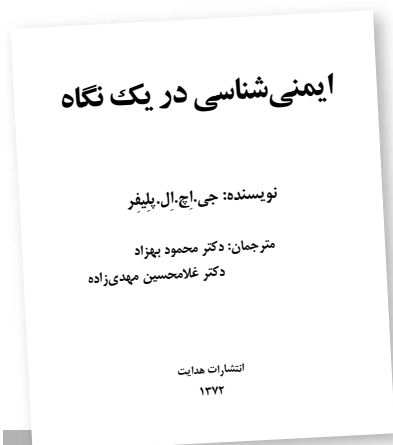
- ۵۵ - جهان در سراسیمگی سقوط
- ۵۶ - دانشنامه عمومی (جهان جانداران)
- ۵۷ - شور هستی (زندگی نامه داروین)
- ۵۸ - راز تندرستی
- ۵۹ - آلرژی (زیر چاپ)
- ۶۰ - آسم (زیر چاپ)
- ۶۱ - دیابت
- ۶۲ - زیست شناسی
- ۶۳ - افسردگی

د - ترجمه‌ها با همکاری دیگران

- ۶۴ - علم و زندگی (چاپ سوم)
- ۶۵ - آدمی، حافظه، ماشین
- ۶۶ - آقای تامپکینز در اندرون خود
- ۶۷ - حیات در آسمان‌ها (چاپ دوم)
- ۶۸ - زیست شیمی و رفتار (دو جلد)
- ۶۹ - تنها یک زمین
- ۷۰ - مبانی فارماکولوژی

ج - ترجمه‌ها

- ۲۶ - راز وراثت (از مگس تا آدمی) (چاپ دوم)
- ۲۷ - قرن داروین (چاپ دوم)
- ۲۸ - اسرار مغز آدمی (چاپ دوم)
- ۲۹ - تن آدمی (چاپ دوم)
- ۳۰ - علم وراثت
- ۳۱ - رمز تکوین
- ۳۲ - اسرار بدن
- ۳۳ - زندگی ما به چه موادی وابسته است؟
- ۳۴ - حیات و انرژی
- ۳۵ - بیوگرافی پیش از تولد (چاپ دوم)
- ۳۶ - فقط یک تریلیون
- ۳۷ - روان شناسی فیزیولوژیک
- ۳۸ - جهان از چه ساخته شده است؟
- ۳۹ - سرگذشت زمین (چاپ چهارم)
- ۴۰ - حیات چگونه آغاز شد؟
- ۴۱ - شناخت حیات
- ۴۲ - زندگی گیاهی
- ۴۳ - سرچشمه زندگی (چاپ سوم)
- ۴۴ - سرگذشت زیست شناسی
- ۴۵ - زیست شناسی BSCS
- ۴۶ - محدودیت‌های رشد (چاپ دوم)
- ۴۷ - زمین در خطر است؟ (چاپ سوم)
- ۴۸ - راهنمای معلم زیست شناسی BSCS
- ۴۹ - تکامل (سری طلایی)
- ۵۰ - گیاه شناسی (سری طلایی)
- ۵۱ - کانی‌های جهان (سری طلایی)
- ۵۲ - وراثت و طبیعت آدمی
- ۵۳ - پاولف
- ۵۴ - آیا به راستی مردان برتر از زنان‌اند؟



- ۷۱ - فرهنگ نامه (۱۸ جلد)
- ۷۲ - فلسفه علمی (جلد اول)
- ۷۳ - کتاب‌هایی که دنیا را تغییر داده‌اند (چاپ دوم)
- ۷۴ - روانشناسی و فضا
- ۷۵ - جانورشناسی (سری طلایی)
- ۷۶ - مرزهای دانش
- ۷۷ - زمین‌شناسی نوین
- ۷۸ - عروج انسان (۱۶ جلد)
- ۷۹ - ۸ گناه بزرگ انسان متمدن
- ۸۰ - بیونیک
- ۸۱ - گفتارهای فروید
- ۸۲ - پیدایش جهان و انسان
- ۸۳ - فارماکولوژی پزشکی در یک نگاه

۸۴ - ایمنی شناسی در یک نگاه

۸۵ - فرهنگ علم

۸۶ - زندگی نامه دانشوران

۸۷ - زیست‌شناسی

۸۸ - علم چیست؟

۸۹ - دانش روز برای همه (مقدمه هر ۱۴ جلد

کتاب و ویرایش متن‌های آن‌ها)

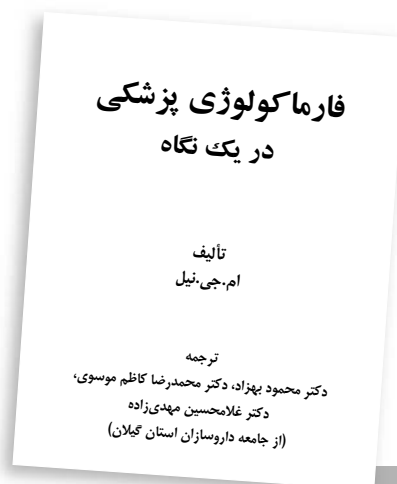
در پایان اینجانب به نمایندگی از اعضای هیات

تحریریه ماهنامه دارویی رازی، ضایعه مؤلمه

درگذشت استاد بهزاد را به جامعه علمی کشور،

داروسازان ایران و خانواده دکتر بهزاد تسلیت

عرض می‌نماید.



همچو حافظ همه شب ناله و زاری کردیم

کای دریغا به وداعش نرسیدیم و برفت